

## جای وفات سبکتگین

در تحشیه و تصحیح طبقات ناصری به تحقیقی برخی از اماکن تاریخی موفق گردیدم، که یکی از آن جای وفات سبکتگین است، که در مقاله ذیل شرح داده می شود:

منهاج سراج جوزجانی در طبقات ناصری گوید که سبکتگین بحدود بلخ در دیه (برمل مدوری، یا ما دروموی، یا مدوری، یا مدریوی یا بارمل مادروی) فوت شده، و نام این دیه باختلاف نسخ خطی بصور بالا آمده و راورتی در ترجمه خود همه را ذکر کرده است، و گوید که در نسخه ترمذ هم نوشته شده.

ابن اثیر در الکامل (ج ۹ - ص ۵۴) گوید: سبکتگین در بلخ میزیست و بسبب طول مرض، تبدیل هوا بطرف غزنه حرکت کرد و در راه بلخ و غزنه از جهان رفت، و میت وی را بغزنه آورده، در آنجا دفن کردند، ابن خلدون (ج ۴ - ص ۳۶۳) و بستانی در دائره المعارف خود (ج ۹ - ص ۶۲) عیناً قول ابن اثیر را نقل میکنند، و هیچ یکی موقع انتقال وی را اشارتی نکرده اند. گردیزی (ص ۴۵) نیز عزیمت امیر سبکتگین را از بلخ بغزنین و مردن او را در راه اشاره میکند، ولی جای مردن را ذکر نکرده است.

برخی از مؤرخان متأخر مانند فرشته و کسانیکه از او اقتفا کرده اند وفات سبکتگین را به ترمذ نوشته است<sup>(۱)</sup>، چون مؤرخین دیگر مانند گردیزی و ابن اثیر و غیره بموقع فوت امیر سبکتگین اشارتی نکرده اند، بنابراین باید گفت:

که مأخذ فرشته در تعیین جای انتقال سبکتگین به ترمذ، نیز شاید همین طبقات ناصری باشد، زیرا محمدقاسم در دیباجه کتابی، آنرا از ماخذ خود میداند، چون در یکی از نسخه راورتی ترمذ نوشته شده، بنابراین به یقین اقرب است که در نسخه مأخذ محمدقاسم شاید (ترمد) نوشته شده بود.

یکی از مؤرخان معاصر دوکتور محمدناظم در کتابیکه برحیات سلطان محمود نگاشته نیز بدون تحقیق همان (مادروموی) متن ترجمه راورتی را محل وفات سبکتگین مینویسد<sup>(۲)</sup> ولی به عقیده نگارنده این همه به صحت نزدیک نیست، زیرا که ترمذ بین راه بلخ و غزنه واقع نبوده، و شهری بود بر ساحل ماورای جیحون، چنانچه حدودالعالم (ص ۶۶) گوید:

"شهریست خرم و بر لب رود جیحون نهاده..." و بقایای تاریخی ترمذ تاکنون بهمین نام معروف و مادی بلخ و ولایت مزار بر آنطرف آمویه افتاده، و شهرکی است که به همین نام یاد میشود، و نگارنده سطور آنرا در زمستان (۱۳۲۴ش) دیده ام. اگر بقول فرشته این شهر را محل وفات سبکتگین بدانیم، این قول مؤرخان سابق که وی در بین راه بلخ و غزنه مرتقض میگردد، پس باید سراغ جائی را که سبکتگین در بین بلخ و غزنه دران مرده باشد از بین قراء و مواقع موجوده جستجو کرد، و درین مورد نویسنده سطور بعد از تجسس و تحقیق بدو نتیجه ذیل رسید:

(۱) در حدود جنوبی بلخ بجنوب شرق مزار شریف موجوده بفاصله (۲۰) تا (۳۰) میل در منطقه کوهستانی، که در حدود پنج هزار فـت از سطح بحر کاین است، قریه است که اکنون آنرا مارمل یا مرمـل گویند و عین بر جاده کوهستانی واقع است، که از انجا بطرف بامیان و کابل روند، و بهمین مناسبت کوچه در شهر مزار بنام (کوچه مارمل) نامزد است، که گذر مذکور بآن طرف شهر افتاده، که مردم از آنجا بسوی مارمل آیند، ولی این راه اکنون بسبب دشواری متروک گردیده و عراده رو نیست، یاقوت نیز این جای را ذکر کند و گویند:

"مارمل: بالفتح ثم السکون، قریه فی جبال نواحی بلخ"<sup>(۳)</sup> چون در نسخه های خطی طبقات ناصری نام قریه

ایکه سبکتگین دران جا مرده نزدیک باشکال مارمل و مرمل نوشته شده، پس میتوان گفت : که جای مردن آن پادشاه همین دیه باشد. که تاکنون هم آنرا مرمل یا مارمل گویند، چون این راه کوهستانی از بلخ به بامیان نزدیکترین راههاست، شاید در آنوقتی که عرادها وسیله حمل و نقل نبود، مردم ازین راه به بامیان آمد و شد میکردند.

(۲) یگراه دیگری نیز از بامیان بسوی ولایت مزار و بلخ میرود، که در بین کوهستان صعب المروری میگذرد، بر جاده موجوده عراده رویکه از پروان و دره غوربند (غوروند سابق) و کوتل شیر میگذرد، و بعد از ان (دو آب) میرسد راهی بسوی بامیان جدا میگردد، تا حدود بامیان جاده عراده رو موجود است و بعد از ان در بین کوهسار بر اسپ یا پیاده میتوان رفت. راه دراز عراده رویکه اکنون مورد استفاده است از دره شکاری در بطن کوهسار هندوکش گذشته، به دو آب و دوشی و کیله گی و بالآخره به پل خمیری و اییک میرسد، و از انجا بسوی مزار و بلخ در دشتهای وسیعی بعد از طی کوهسار تاشقرغان میگذرد ولی راه دشواریکه از حدود دو آب دامنه های هندوکش به بامیان میرود، از انجا ذریعه یگراه کوهستانی بطرف شمال شرقی به اییک سابق الذکر می پیوندد، و از بامیان بسوی اییک منازل ذیل موجود است :

۱. بامیان، (۲) سیغان، (۳) کهمرد، (۴) مدر، (۵) روئی، (۶) خرم و سارباغ، (۷) اییک.  
در نامه های منازل اگر (مدر) و (روئی) را یکجا بنویسیم (مدر روئی) میشود و بصورت ضبط نسخ خطی طبقات نزدیکی میرساند، و میتوان گفت : که سبکتگین از بلخ باییک آمده و از انجا میخواست از منازل سابق الذکر بسوی بامیان بگذرد، و هم درینجا بدنای دیگر انتقال کرده باشد<sup>(۴)</sup>. والله اعلم بالصواب.

ماخذ

۱. فرشته ص ۲۱، حیات افغانی و غیره.
۲. ترجمه فارسی کتاب سلطان محمود، ص ۳۴.
۳. معجم البلدان ج ۷ - ص ۳۶۲.
۴. مجله آریانا، سال ۱۳۲۵ ش، شماره پنجم، ص ۱۴ - ۱